

آثار و برکات عزاداری و گریه بر سیدالشهداء (ع)



«گریه» مظهر شدیدترین حالات احساسی انسان است، و علتها و انگیزه‌های مختلفی دارد که هر یک از آنها نشان دهنده حالتی خاص است. در روایات، بعضی از انواع گریه تحسین شده و از صفات پسندیده بندگان پاکدل خداوند به حساب آمده است، و بعضی از انواع گریه مذموم شمرده شده است.

گریه، از حالات و انفعالات انسانی است که با مقدمه‌ای از اندوه و ناراحتی روانی به طور طبیعی به ظهور می‌رسد، و گاه ممکن است انگیزه‌اش هیجانات تند روانی باشد. مثل شوق و ذوقی که از دیدار محبوب پس از زمانی طولانی ناشی می‌شود. همچنین گاهی هم گریه کردن حاکی از عقاید مذهبی انسان است با این توصیف، از آنجایی که گریه عملی طبیعی و ای بسا غیر ارادی است؛ لذا نمی‌شود مورد امر و نهی و قبح قرار گیرد، بلکه آنچه که مورد حسن و قبح است، مقدمات و انگیزه‌های گریه می‌باشد. چنانکه گفته‌اند: «تو آنی که در بند آنی».

در اینجا برای اینکه بدانیم گریه بر سیدالشهدا (ع) چگونه گریه‌ای است و چه تأثیرات و برکاتی می‌تواند داشته باشد، بهتر آن است که اشاره‌ای به انواع گریه کنیم تا بعد از آن، نوع گریه بر آن حضرت برابمان معلوم گردد.

- 1- گریه طفولیت: زندگانی انسان با گریه شروع می‌شود که همان گریه، نشانه سلامت و تندرستی نوزاد است، و در واقع گریه در آن زمان، زبان طفل است.
- 2- گریه شوق: مانند گریه مادری که از دیدن فرزند گمشده خویش پس از چندین سال سرداده می‌شود. و این گریه‌ای است که از روی هیجان و احیاناً جهت سرور و شادی به انسان دست می‌دهد.
- 3- گریه عاطفی و محبت: محبت از عواطف اصیل انسانی است که با گریه انس دیرینه دارد. مثلاً محبت حقیقی به خداوند حسن آفرین است و برای قرب به او باید اشک محبت ریخت.

صنما با غم عشق تو چه تدبیر کنم

تا به کی در غم تو ناله شبگیر کنم

- 4- گریه معرفت و خشیت: انجام عبادات خالصانه و تفکر در عظمت آفرینش و کبریایی خداوند، و همچنین اهمیت تکالیف و مسئولیتهای انسانی باعث می‌گردد که نوع خاصی از خوف، در درون انسان ایجاد شود و این خوف، خوفی است که از روی معرفت به خداوند و تهذیب نفس به دست می‌آید که «خشیت» نامیده می‌شود.
- 5- گریه ندامت: از عوامل اندوه زدایی که منجر به گریه می‌گردد، محاسبه نفس و حسابرسی شخصی است، و همین حسابرسی باعث می‌شود که انسان به گذشته خود فکر کند و با حسابرسی، جبران کوتاهی و خطاها را بکند و اشک حسرت و ندامت از چشمانش جاری نماید، این گریه، نتیجه توبه و بازگشت به خداست.

اشک می‌غلند به مزگانم به جرم رو سیاهی

اک پناه بی پناهان، مو سپید روسیاهم

روز و شب از دیدگان اشک پشیمانی فشانم

تا بشویم شاید از اشک پشیمانی گناهم

- 6- گریه پیوند با هدف: گاهی قطره‌های اشک انسان، پیام آور هدفهاست. گریه بر شهید از این نوع گریه است. گریه بر شهید خوی حماسه را در انسان زنده می‌کند و گریستن بر سیدالشهدا (ع) خوی حسینی را در انسان احیا می‌کند، و خوی حسینی چنان است که نه ستم می‌کند و نه ستم می‌پذیرد. آن کسی که با شنیدن حادثه کربلا قطره اشکی از درون دل بیرون می‌فرستد، صادقانه این پیوند با هدف والای سیدالشهدا (ع) را بیان می‌کند.

- 7- گریه ذلت و شکست: گریه افراد ضعیف و ناتوانی که از رسیدن به اهداف خود مانده‌اند و روح و شهامت برای پیشرفت در خود نمی‌بینند.

با ذکر این مطلب، حال باید بررسی کرد که گریه بر حسین (ع) از چه نوع گریه است. هر کس با اندک توجهی خواهد دانست که گریه بر حسین (ع) گریه محبت است، آن محبتی که در دل‌های عاشقانش به ثبت رسیده است. گریه بر او، گریه شوق است، زیرا قسمت زیادی از حماسه‌های کربلا، شوق آفرین و شورانگیز است و به دنبال آن سیلاب اشک شوق به خاطر آن همه رشادت، فداکاری، شجاعت و سخنرانیهای آتشین مردان و زنان به ظاهر اسیر، از دیدگان شنونده سرازیر می‌گردد و نیز گریه معرفت و پیوند با هدف متعالی و انسان ساز او است؛ و به تعبیر امام خمینی (ره) گریه سیاسی است که فرمود: «ما ملت گریه سیاسی هستیم، ما ملتی هستیم که با همین اشکها سیل جریان می‌دهیم و سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است خرد می‌کنیم».

هزار سال فزون شد ز وقعه عاشورا

ولی ز تعزیه هر روز، روز عاشور است

هیئات که گریه بر حسین (ع) گریه ذلت و شکست باشد، بلکه گریه پیوند با سرچشمه عزت است، گریه امت نیست، که گویا است، گریه سرد کننده نیست، که حرارت بخش است، گریه بزدلان نیست، که گریه شجاعان است، گریه یأس و ناامیدی نیست که گریه امید است، و بالاخره گریه معرفت است و گریه معرفت در عزای حسین (ع) از انحراف و تحریف در قیام آن حضرت جلوگیری می‌کند و شاید به همین جهت باشد که در فضیلت گریه بر سیدالشهدا (ع) روایات متعددی وارد شده است. از آن جمله، روایتی است که امام صادق (ع) فرمود: «گریه و بی تابی در هر مصیبت برای بنده مکروه است، مگر گریه بر حسین بن علی (ع) که اجر و ثواب نیز دارد».

گریه و عزاداری برای سیدالشهدا (ع) دارای آثار و برکات مهمی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

از ارزنده‌ترین آثار و برکات مجالس عزاداری و گریه بر ابی عبدالله حسین (ع) حفظ رمز نهضت حسینی است .

براستی ؛ چرا در دوران منحوص سلاطین و پادشاهان جور از برپایی مجالس عزای اهل بیت (ع) به خصوص سالار شهیدان جلوگیری می شد؟ آیا نه این است که عزای حسینی و امامان شیعه، سبب می شود که سخنوران و دانشمندان متعهد و انقلابی، مردم را از ظلم‌های حکومتها آگاهی دهند و انگیزه قیام آن حضرت که امر به معروف و نهی از منکر است به اطلاع مردم برسد؟

آری، اینگونه مجالس، آموزشگاهها و دانشگاههایی است که به بهترین روش و زیباترین اسلوب مردم را به سوی دین خوانده و عواطف را آماده می‌کند و جاهلان و بی‌خبران را از خواب سنگین غفلت بیدار می‌سازد و نیز در این مجالس است که مردم ، دیانت را همراه با سیاست، از مکتب حسین بن علی (ع) می‌آموزند.

گریه بر سید الشهداء (ع) و تشکیل مجالس عزای حسینی نه تنها اساس مکتب را حفظ می‌کند، بلکه باعث می‌گردد شیعیان با حضور در این مجالس از والاترین تربیت اسلامی برخوردار شده و در جهت حسینی شدن رشد و پرورش یابند.

کدام اجتماعی است که در عالم چنین اثری را از خود بروز داده باشد؟ کدام حادثه‌ای است مانند حادثه جانسوز کربلا که از دوره وقوع تاکنون و بعدها بدینسان اثر خود را در جامعه بشریت گذارده ، و روز به روز دامنه آن وسیعتر و پیروی و تبعیت از آن بیشتر گردد؟ از این رو باید گفت که در حقیقت مراسم عزاداری حافظ و زنده نگهدارنده نهضت مقدس امام حسین (ع) و در نتیجه حافظ اسلام و ضامن بقای آن است .

تشکیل مجالس عزاداری حسین، نه تنها اساس مکتب را حفظ کرده و می‌کند بلکه به علاوه سبب آن گردید که شیعیان با حضور در این مجالس از والاترین تربیت اسلامی برخوردار شده و در جهت حسینی شدن رشد و پرورش یابند.

«موریس دوکیری» می‌نویسد: «اگر مورخین ما، حقیقت این روز را می‌دانستند و درک می‌کردند که عاشورا چه روزی است ، این عزاداری را مجنونانه نمی پنداشتند . زیرا پیروان حسین به واسطه عزاداری حسین می‌دانند که پستی و زیر دستی و استعمار را نباید قبول کنند . زیرا شعار پیشرو و آقای آنان تن به زیر بار ظلم و ستم ندادن است.

قدری تعمق و بررسی در مجالس عزاداری حسین نشان می‌دهد که چه نکات دقیق و حیات بخشی مطرح می شود ، در مجالس عزاداری حسین گفته می شود که حسین (ع) برای حفظ شرف و ناموس مردم و بزرگی مقام و مرتبه اسلام، از جان و مال و فرزند گذشت و زیر بار استعمار و ماجراجویی یزید نرفت؛ پس بیاید ، ما هم شیوه او را سرمشق قرار داده از زیر دستی استعمار گرایان خلاصی یابیم و مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح دهیم...» 86.

2- ازدیاد محبت به امام، و تنفر از دشمنان آن حضرت

سوزی که از دل سوخته عاشقان سیدالشهدا (ع) به چشم سرایت کرده و از مجاری دو چشم آنها به صفحه رخسار وارد می شود، مراتب علاقه و اخلاص و دلبستگی به خاندان وحی و رسالت را می‌رساند و این عمل اثری مخصوص در ایقاع مودت و ازدیاد محبت دارد.

گریه بر حضرت سیدالشهدا (ع) از مواردی است که هیچ انسانی از فرط دلسوزی و انقلاب، طاقت بردباری و تحمل در برابر استماع مصائب او را ندارد، و این گریه و بیقراری ، علاوه بر ازدیاد محبت و مهر و مودت، موجب کثرت تنفر و بی‌زاری از دشمنان و قاتلان آن حضرت شده و موجب برائت دوستان این خانواده از دشمنان ایشان می‌گردد.

باری، گریه با آگاهی و معرفت بر امام حسین (ع) ، در واقع، اعلام انزجار از قاتلان اوست و این تبری از آثار برجسته گریه بر امام حسین (ع) است زیرا مردم به ویژه افرادی که دارای شخصیت هستند از گریه کردن در برابر حوادث تا سر حد امکان امتناع می‌ورزند ، و تا شعله درونی آنان به مرتبه انفجار نرسد حاضر به گریه کردن مخصوصاً در برابر چشم دیگران نیستند، این گریه و عزاداری ابراز کمال تنفر در برابر تعدی و تجاوز و ستمگری و پایمال نمودن حقوق جامعه و به ناحق تکیه زدن بر مسند حکومت آنان می‌باشد.

3- آشنایی با حقیقت دین و نشر آن

یکی دیگر از آثار و برکات مجالس عزاداری سیدالشهدا (ع) این است که مردم در سایه مراسم عزاداری به حقیقت اسلام آشنا شده و بر اثر تبلیغات وسیع و گسترده‌ای که همراه با این مراسم انجام می‌گیرد، آگاهی توده مردم بیشتر شده و ارتباطشان با دین حنیف محکمتر و قویتر می‌گردد . چه اینکه قرآن و عترت دو وزنه نفیسی هستند که هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند و این آگاهی در اقامه ماتم و مراسم سوگواری عترت رسول اکرم (ص) به خصوص امام حسین (ع) به آحاد مردم داده خواهد شد.

4- آموزش گناهان

ریان بن شیبی از امام رضا (ع) روایت کرده که فرمود: «ای پسر شیبی ، اگر بر حسین (ع) گریه کنی تا آنکه اشک چشمت بر صورت جاری شود، خداوند گناهان کوچک و بزرگ، و کم یا زیاد تو را می آموزد» 87
و نیز فرمود: «گریه کنندگان باید بر کسی همچون حسین (ع) گریه کنند ، زیرا گریستن برای او گناهان بزرگ را فرو می‌ریزد» 89.

5- سکونت در بهشت

امام باقر (ع) فرمود: «هر مؤمنی که در سوگ حسین (ع) اشک دیده ریزد، به حدی که بر گونه‌اش جاری گردد، خداوند او را سالیان سال در غرفه‌های بهشت مسکن می‌دهد» . 90

و نیز امام صادق (ع) فرمود: «هر کس درباره حسین (ع) شعری بخواند و گریه نماید و يك نفر را بگریاند، بهشت برای هر دوی آنها نوشته می‌شود . کسی که حسین (ع) نزد او ذکر شود و از چشمش به مقدار بال مگسی اشک آید، اجر او نزد خداست و برای او جز به بهشت راضی نخواهد شد» 91.
و نیز فرمود: «هر کس که در عزای حسین (ع) بگرید یا دیگری را بگریاند و یا آنکه خود را به حالت گریه و عزا درآورد ، بهشت بر او واجب می‌شود» 92.

6- شفا یافتن

یکی دیگر از آثار و برکات مجالس عزاداری حضرت سید الشهداء (ع) شفا گرفتن است . به طوری که بارها دیده‌ایم و شنیده‌ایم که بعضی از عزاداران و گریه کنندگان بر

حسین (ع) شفا گرفته‌اند.

نقل است که مرجع بزرگ شیعه مرحوم آیه الله العظمی بروجردی در سن نود سالگی دارای چشمانی سالم بودند که بدون عینک خطوط ریز را هم می‌خواندند و می‌فرمودند: این نعمت را مرهون وجود مبارک حضرت ابی عبدالله الحسین (ع) هستم ؛ و قضیه را چنین نقل می‌فرمودند:

در یکی از سالها در بروجرد بودم، به چشم درد عجیبی مبتلا شدم که بسیار مرا نگران ساخته بود . معالجه پزشکان فایده‌ای نکرد و درد چشم هر روز بیشتر و ناراحتی من افزونتر می‌گردید، تا اینکه ایام محرم شد. در ایام محرم آیه الله فقید ، دهه اول را روزه داشتند و دسته‌های مختلف هم در این عزاداری شرکت می‌کردند . یکی از دسته‌هایی که روز عاشورا به خانه آقا وارد شده بود، «هیئت گلگیرها» است که نوعاً سادات و اهل علم و محترمین هستند، در حالی که هر يك حوله سفیدی به کمر بسته‌اند، سر و سینه خود را گل آلود کرده و بطور بسیار رقت بار و مهیج و در عین حال با سوز و گداز فراوان و ذکر جانسوز آن روز را تا ظهر عزاداری می‌کنند . آقا فرمودند:

«هنگامی که این دسته به خانه من آمدند و وضع مجلس با ورود این هیئت هیجان عجیبی به خود گرفته بود من هم در گوشه‌ای نشسته و آهسته آهسته اشک می‌ریختم و در این بین هم مقداری گل از روی پای یکی از همین افراد گلگیر برداشته و بر روی چشمهای ملتهب و ناراحتم کشیدم، و به برکت همین توسل، چشمانم خوب شد و امروز علاوه بر اینکه مبتلا به درد چشم نشدم، از نعمت بینایی کامل برخوردارم، و به برکت حضرت امام حسین (ع) احتیاج به عینک هم ندارم». با اینکه همه قوای جسمانی ایشان تحلیل رفته بود با این وجود تا آخرین ساعات زندگانی از بینایی کامل برخوردار بودند.

7- گریه کننده بر حسین، در قیامت گریان نیست

رسول اکرم (ص) به فاطمه زهرا (س) فرمود: «هر چشمی در روز قیامت گریان است مگر چشمی که برای مصائب حسین (ع) گریه کرده باشد، چنین کسی در قیامت خندان و شادان به نعمت‌های بهشتی است». 93
آن روز دیده‌ها همه گریان شود ز هول
جز چشم گریه کرده بسوگ و عزای او

8- امان از سكرات موت و آتش دوزخ

مسمع گوید: حضرت امام صادق (ع) فرمود: آیا متذکر می‌شوی با حسین چه کردند؟ عرض کردم: آری ، فرمود: آیا جزع و گریه می‌کنی؟ گفتم: آری ، به خدا سوگند گریه می‌کنم و آثار غم و اندوه در صورتم ظاهر می‌شود حضرت فرمود: «خدا اشک چشمت را رحمت کند . آگاه باش که تو از آن اشخاصی هستی که از اهل جزع برای ما شمرده می‌شوند، به شادی ما شاد و به حزن ما محزون و اندوهناک می‌گردند. آگاه باش که بزودی هنگام مرگ، پدرانم را بر بالین خود حاضر می‌بینی ، در حالی که به تو توجه کرده و ملك الموت را درباره تو بشارت می‌دهند، و خواهی دید که ملك الموت در آن هنگام از هر مادر مهربان به فرزندش ، مهربانتر است» سپس فرمود: «کسی که بر ما اهل بیت به خاطر رحمت و مصائب وارده بر ما گریه کند، رحمت خدا شامل او می‌شود قبل از اینکه اشکی از چشمش خارج گردد؛ پس زمانی که اشک چشمش بر صورت جاری شود اگر قطره‌ای از آن در جهنم بریزد، حرارت آن را خاموش کند، و هیچ چشمی نیست که گریه کند بر ما مگر آنکه با نظر کردن به کوثر و سیراب شدن با دوستان، خوشوقت می‌گردد». 94

با توجه به این روایت شریف باید گفت: چایی که آتش جهنم که قابل مقایسه با آتش دنیا نیست و به وسیله گریه بر حسین (ع) خاموش و برد و سلام گردد ، پس اگر در موردی، آتش ضعیف دنیا عذار حسینی را نسوزاند جای تعجب نیست .

سید جلیل مرحوم دکتر اسماعیل مجاب (داندانساز) عجایی از ایام مجاورت در هندوستان که مشاهده کرده بود نقل می‌کرد، از آن جمله می‌گفت: عده‌ای از بازرگانان هندو (بت پرست) به حضرت سیدالشهدا (ع) معتقد و علاقه مندند و برای برکت مالشان با آن حضرت شرکت می‌کنند، یعنی در سال مقداری از سود خود را در راه آن حضرت صرف می‌کنند. بعضی از آنها روز عاشورا به وسیله شیعیان ، شربت و پالوده و بستنی درست کرده و خود به حال عزا ایستاده و به عذاران می‌دهند، و بعضی آن مبلغی که راجع به آن حضرت است را به شیعیان می‌دهند تا در مراکز عزاداری صرف نمایند.

یکی از آنان را عادت چنین بود که همراه سینه زنها حرکت می‌کرد و با آنها به سینه زدن مشغول می‌شد. وقتی از دنیا رفت، بنا به مرسوم مذهبی خودشان، بدنش را با آتش سوزانیدند تا تمام بدنش خاکستر شد جز دست راست و قطعه‌ای از سینه‌اش که آتش، آن دو عضو را نسوزانیده بود. بستگان آن دو عضو را آوردند نزد قبرستان شیعیان و گفتند: «این دو عضو راجع به حسین شماسست» 95.

9- تأثیر شعر سرودن در عزای حسینی

امام صادق (ع) فرمود: «کسی نیست که برای حسین (ع) شعری بسراید و گریه کند یا بگریاند مگر اینکه خداوند بهشت را بر او واجب کرده و گناهانش را می‌آمرزد». 96
سخنی با حسین (ع)

«حسین ! ای پرچم خونین حق بر دوش،

حسین ! ای انقلابی مرد

حسین ! ای رایت آزادی در دست،

در آن صحرای سرخ و روز آتشگون

قیام قامتت در خون نشست، اما

پیام نهضت برخاست

از آن طوفان «طف» در روز عاشورا،

به دشت «نینوا» نای حقیقت از «نوا» افتاد

ولی ...

مرغ شباهنگ حقیقت ، از نوای ناله «حق ، حق» نمی‌افتد».

سلام بر تو ، ای حسین !

سلام بر خط شفقگون کربلا، که خون تو را، ای خون خدا - همواره بر چهره افق می‌پاشد و غروب هنگام، سرخی آسمان مغرب را به شهادت می‌گیرد ، تا آن جنایت هولناک را هر چه آشکارتر بنمایاند و چشم تاریخ را بر این صحنه همیشه خونین بدو زد و گوش زمان را از آن فریادها تندر گونه آن عاشورای دوران ساز، بر کند.

ای حسین ... ای عارف مسلح !

کربلای تو، عشق را معنی کر دو انقلاب تو اسلام را زنده ساخت و شهادت تو، حضور همیشگی در همه زمانها و زمینها بود.

ای حسین ... ای شراره ایمان !

ای حسین ... ای در سکوت سرخ ستم، شهر آشوب!

در بهت خاموشی و ترس، تلخابه فریاد را در حلقوم شب ریختی و با نامردان تبهکار ، مردانه در آویختی.

عاشورای تو، انفجاری از نور و تابشی از حق بود که بر «طور» اندیشه‌ها تجلی کرد و «موسی خواهان» گرفتار در «تپه» ظلمت ظلم را از سرگردانی نجات بخشید.

چه می‌گوییم؟ ... تو تاریخ را به حرکت آوردی و زبان زمان را به سرودن حماسه‌های زیبای ایثار و جهاد و شهادت گشودی . لحظه لحظه تاریخ را عاشورا ساختی و جای جای سرزمینها را کربلا...

خفته بودیم و بی خبر ... اما تو، این «مصباح هدایت» و ای «کشتی نجات» گام خسته ما را به تلاش کشاندی و افسردگی یأسمان را به شور امید میدک ساختی و از سکوت و درنگ و وحشت ، به فریاد و هجوم و شجاعت‌مان رساندی و پای کوفته و پر آبله ما را، تابام آگاهی و تا برج بیداری فرا بردی. 97

«ای حسین» ...

تو کلاس فشرده تاریخی .

کربلای تو، مضاف نیست

منظومه بزرگ هستی است ،

طواف است.

پایان سخن

پایان من است

تو انتهای نداری... 98

والسلام

پی نوشتها:

85 وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی ، ج 10 ص 393

86 بحارالانوار ، علامه مجلسی ، ج 44 ص 284

87 منتخب کامل الزیارات ، ابن قولویه ، ص 165

88 منتخب کامل الزیارات ، ابن قولویه ، ص 168

89 جلاء العیون ، علامه مجلسی ، ص 462

90 بحارالانوار ، علامه مجلسی ، ج 44 ص 293

91 وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی ، ج 10 ص 397

92 داستانهای شگفت ، آیت الله شهید دستغیب ، ص 9

93 اختیار معرفة الرجال ، شیخ طوسی ، 89

94 خلاصه ای از مقاله <عاشورا> نوشته جواد محدثی .

95 <خط خون > موسوی گرمارودی .

منبع: کتاب آثار و برکات سید الشهدا

خبرگزاری فارس